

❖ پنج) کلام منتقی الاصول در شبهه مفهومیه خاص منفصل دوران بین اقل و اکثر

۱. صاحب منتقی الاصول ابتدا با اشاره به قول مرحوم آخوند درباره «شبهه مفهومیه خاص منفصل دوران بین اقل و اکثر»، می‌نویسد که ظاهراً بزرگان، قول آخوند و استدلال ایشان را در این مورد پذیرفته‌اند. و سپس دلیل مرحوم آخوند را چنین تقریر می‌کند:

«ان العام قبل ورود المخصص انعقد له ظهور في العموم، و مقتضاه حجية العام في جميع افراده ما لم يزاحمه ما هو أقوى منه، و الخاصّ الوارد انما يزاحمه فيما هو حجة فيه و هو القدر المتيقن، اما غيره فلا يكون الخاصّ حجة فيه فيكون العام هو الحجة فيه لعدم ما يزاحمه في مقام الحجية.»^۱

۲. ایشان در ادامه در این مطلب مناقشه می‌کند:

«ان قلنا: بان الخاصّ يكون حجة و دليلاً على ما يكون حجة فيه فعلاً من مدلوله التصديقي، كان ما عليه الاعلام هو الحق، لأنه حجة في الأقل فقط، لأنه القدر المتيقن من مدلوله التصديقي، فيخصص العام بمقدار الأقل فقط.»

و ان قلنا: بأنه يكون حجة على ثبوت الحكم للعنوان الواقعي على واقعه و ان لم يكن ظاهراً فيه فعلاً، كان الحق هو إجمال العام في مورد الشك، لأن الخاصّ يستلزم تضيق دائرة حجية العام بغير عنوانه الواقعي، فيشك في شمول المراد الواقعي من العام للمشكوك.»^۲

توضیح:

۱. اگر بگوییم خاص (لا تکرّم الفساق من العلماء) تنها در مدلول تصدیقی خود حجت است [یعنی در محدوده‌ی آنچه مراد جدی متکلم از خاص منفصل است]؛
۲. در این صورت سخن مرحوم آخوند و تابعین ایشان حق است
۳. چرا که خاص (لا تکرّم الفساق من العلماء)، تنها در آنچه یقیناً از آن فهم می‌شود [و قطعاً مراد جدی است]، حجت است.
۴. و لذا تنها به همین اندازه، عام تخصیص می‌خورد.
۵. ولی اگر بگوییم:

خاص حجت است در اینکه حکم (عدم اکرام) بر عنوان فاسق بار شده است (حتی اگر ظهوری در اینکه چه چیزی واقعاً فاسق است، نداشته باشد)، در این صورت:

۱. منتقی الاصول، ج ۳، ص ۳۱۶

۲. همان، ص ۳۱۷



۶. بعد از ورود خاص منفصل، این کلام حجت است در اینکه عنوان فاسق (با ابهامی که دارد) از تحت عام خارج شده است، پس:

۷. دائره عام، در محدوده فاسق تضییق پیدا می‌کند و لذا اصلاً عام در مشکوک (مرتکب صغیره) ظهور پیدا نمی‌کند.

ما می‌گوییم:

۱. ماحصل مراد ایشان (چنانکه مقرر ایشان در جایی دیگر هم توضیح داده است^۱) آن است که: الف) اگر آنچه حجت است، ظاهر کلام است که به سبب اصالة الظهور، حجت است (و آن را مراد جدی متکلم شناخته‌ایم)، سخن آخوند صحیح است. ب) ولی اگر آنچه حجت است، مراد واقعی متکلم است، حتی اگر از کلامش ظاهر نباشد و لذا نتوانیم اصالة الظهور را در آن جاری بدانیم، سخن مرحوم آخوند صحیح نیست.
۲. ایشان سپس به دلیل هر کدام از دو قول (اگر بگوییم) اشاره می‌کند:

«و تقریب القول الأول بان یقال: ان التعبد بصدور الدلیل و جعل حجیته انما یصح بلحاظ ترتب الأثر العملی علیه، و إلیا فالتعبد به لغو. و علیه ففی المورد لا یتکفل دلیل الحجیة الا التعبد بالخاص بمقدار ما هو ظاهر فیه فعلا لا غیر، لعدم ترتب أثر عملی علی التعبد به بالمقدار الزائد علیه. و لأجل ذلك یقال: بعدم شمول أدلة الحجیة للخبر المجمل بالمرّة لعدم ترتب ثمره عملیة علیه.

و تقریب القول الثانی بان یقال: ان الحجیة و ان كانت بلحاظ الأثر العملی، لكن عدم الأثر للتعبد بثبوت الحكم علی المجمل بواقعه ممنوع علی إطلاقه، فانه یمکن ان یمکن له أثر فی بعض الأحيان كما فیما نحن فیه.»^۲

توضیح:

۱. مبنای اول بر این اساس استوار است که:
۲. علت اینکه یک دلیل (لا تکرّم الفساق من العلما) را حجت می‌دانیم (و به آن متعبد می‌شویم) آن است که دارای اثر عملی است. و الا اگر اثر عملی در میان نباشد، تعبد و حجیت لغو است.

۱. مباحث الاصول، ج ۳، ص ۳۲۵

۲. منتهی الاصول، ج ۳، ص ۳۱۷



۳. و چون اگر حکم روی عنوان مبهم رفته باشد، تعبد به آن لغو است، باید بگوییم که دلیل حجیت، تعبد به خاص (لا تکرم الفساق من العلما) را در همان مقدار متیقن ثابت می‌کند
۴. و دقیقاً به همین جهت است که می‌گوییم اگر خبری مجمل باشد، ادله حجیت خبر واحد اصلاً شامل آن نمی‌شود.
۵. اما مبنای دوم بر این اساس استوار است که:
۶. اگرچه حجیت به لحاظ اثر عملی است ولی اگر جایی «مجمل بودن» دارای اثر عملی باشد، حجت خواهد بود.
۷. و در ما نحن فیه، اجمال عنوان باعث می‌شود که نتوانیم به عام رجوع کنیم و همین اثر عملی است.

